

من از نسل امروز می‌ترسم!



اسما رواتخواه
پژوهشگر اجتماعی

منظربودم اتفاق ویزه‌ای بیفتد، مثلا احساس کنم باری از شانه‌هایم برداشته شده یا با همه وجود احساس خوشحالی کنم یا حداقل شب را به آرامی استراحت کنم و یک نفس راحت بکشم... اما هیچ کدام از اینها اتفاق نیفتاد، همه می‌گفتند وقتی جلسه دفاع از پایان‌نامه تمام شود، این اتفاق‌ها را تجربه می‌کنی و من بعد از ۲۴ ساعت منتظرم و با همین انتظار خودم را می‌سامانم دختر روزنامه. می‌گویند متن مصاحبه داربوش فرهنگ را که در ارتباط با خانواده است، بخوانم و نظرم را بگویم، برای کسی مثل من که منتقد سرسخت نظام آموزش‌وپرورش است و دلش می‌خواهد مهر تعطیلی بر در همه مدارس بزند تا دانش‌آموزان بی‌گناه از شر این نظام معیوب خلاص شوند، خواندن مصاحبه داربوش فرهنگ که در آن نوع آموزش می‌گوید ما در ارتباط با تربیت فرزندان صحبت می‌کنیم؛ دلنشین و دلچسب است، اما امروز قصد ندارم با هم از آموزش‌های سرشار از عیب‌ونقص حرفی بزنم. امروز می‌خواهم نگاهی داشته باشم به خانواده‌های خودمان که با از این طرف بام می‌افتند یا از آن طرف بام.

در قسمت‌هایی از مصاحبه مذکور آمده بود که خانواده‌ها باید یاد بگیرند با فرزندان نسل امروز همراه شوند و برای ارزیابی آنها متر و مقیاسی را که در گذشته استفاد می‌کردند کنار بگذارند با خود فکر می‌کنم چقدر از خانواده‌های مامهارت ارتباط با فرزندان خود را دارند؟ این مهارت را از کجا باید کسب کنند؟ این حرف درست است که ما نباید با همان سبک و سیاق گذشته با فرزندان نسل امروز برخورد کنیم که اگر این اتفاق بیفتد راه به جایی نخواهیم برد اما آن روی دیگر سکه را

هم نمی‌شودناده گرفت. نمی‌دانم برای شما هم پیش آمده است یا نه... اما بارها و بارها وقتی دختران و پسران دهه هفتادی و هشتمادی را در خیابان یا مترو یا پارک دیدم، وحشت کرده‌ام. از نوع تفکر آنها، از نوع مناسبات آنها و حتی از نوع پوشش آنها، بارها فکر کرده‌ام که پدر و مادر این دختران و پسران نوجوان چگونه با آنها ارتباط برقرار می‌کنند؟ من که به لحاظ سنی شاید ۱۰ یا ۱۵ سال بیشتر با آنها اختلاف سنی نداشته باشم، نمی‌توانم حتی در یک مورد با آنها هم کلام شوم و این شکاف بی‌اندازه را کمتر کنم، حال پدر و مادر آنها چگونه می‌توانند نیازهایشان را درک کنند و هم‌صحبت فرزندان‌شان شوند؟ آن وقت با خود می‌گویم و آکنش برخی از خانواده‌ها بی‌خیال شدن است لابد!

دربوش فرهنگ در مصاحبه‌اش تأکید می‌کند که نیاز فرزندان‌مان را با توجه به تغییرات اجتماعی باید بشناسیم اما فکر می‌کنم این روزها کمتر خانواده‌ای پیدا می‌شود که دوست و رفیق فرزندش باشد. داربوش فرهنگ می‌گوید ما نباید افکار سنتی‌مان را به فرزندان القا کنیم اما من فکر می‌کنم که اتفاقا این روزها شهر پر شده از خانواده‌هایی که از آن طرف دیگر بام (مدرن شدن) افتاده‌اند. خانواده‌هایی که فکر می‌کنند تغییرات اجتماعی یعنی بی‌خیال تربیت فرزند شدن... تغییرات اجتماعی یعنی رهاکردن فرزند به حال خود. با خود می‌گویم مقصر این رهاشدگی نوجوانان به حال خود و بی‌مسئولیت بزرگ‌شدن آنها، نه تغییرات اجتماعی، بلکه خانواده‌ها هستند. خانواده‌ها به اسم تغییرات اجتماعی از آن طرف بام افتاده‌اند و بی‌مسئولیتی خود را گذاشته‌اند به پای عوض شدن دوره و زمانه!

تکلیف آموزش‌وپرورش که مشخص است، خانواده‌ها هم اگر در ارتباط با تربیت فرزندان شانه خالی کنند، وای به حال آینده این جامعه...

خوشا به غیرت برادر

رضا مهریزی | خبرنگار

اما عادی نبودن این تصاویر برای مخاطب به معنای غیرواقعی بودن آنها نیست، تبعیض‌ها و تفاوت‌های برخاسته از جنسیت در خانواده‌ها که منجر به بروز فجایی جبران‌ناشدنی می‌شوند، نه‌تنها در جامعه ما، بلکه در جوامع دیگر نیز وجود دارند، همچنین در آثار هنری نمود یافته‌اند و می‌توان ریشه آنها را در قرن‌های گذشته دنبال کرد. مثلا در شاهنامه فردوسی هم به نمونه‌هایی از سخنان درشت در حق زنان و تحقیر و تقیب آنان برمی‌خوریم، اگر چه این سخنان تماما از زبان مردان غیرایرانی و در حق زنان غیرایرانی بیان شده‌اند و درباره دیگر زنان کتاب جز ادب و احترام چیزی یافت نمی‌شود. در دیگر آثار هنری نیز به راحتی می‌توان نمونه‌هایی از این گونه برخورد را یافت، حتی در سریال کمدی خارجی محبوب ما ایرانی‌ها هم جود Friends تبعیض بین دختر و پسر خانواده اگر چه به شکل طنز اما به‌طور واضح نشان داده شده است.

در طول تاریخ با توجه به پیدایش جنبش‌های مختلف، به‌مسأله تبعیض بسیار توجه شده است و امروزه هم آثاری با مفاهیم این چنینی تولید و باقیال عمومی می‌شوند، اگر چه توجه به بعضی مسائل همچون تبعیض نژادی بیشتر بوده است، اما سایر تبعیض‌ها همچون آزار جنسیتی و متکسوب در اشکال هنری دیگر همچون موسیقی نیز راه یافته‌اند، متن آهنگ «این یک دنیای مردانه است»، اثر جیمز براون، خواننده آمریکایی، یکی از بهترین نمونه‌های قابل‌تامل در این زمینه است:

این یک دنیای مردانه است اما بدون یک دختر با زن می‌توانست هیچ نباشد می‌توانی ببینی که مرد خودرو را ساخت تا ما در میان جاده‌ها رفت‌وآمد کنیم او قطار‌ها را ساخت تا بارهای سنگین را حمل کنند

مرد روشنایی الکتریکی را ابداع کرد تا ما را از تاریکی بیرون آورد قایق را ساخت همچون نوح که کشتی‌اش را ساخت این دنیای مردانه است اما بدون یک دختر با زن می‌توانست هیچ نباشد مرد به یک دختر با پسر بیچه کوچک فکر می‌کند و آنان را با اسباب‌بازی‌هایی که می‌سازد خوشحال می‌کند

و پس از این که همه چیز را ساخت هر آنچه که می‌تولدت می‌دای که او پول را به وجود آورد تا از مردان دیگر خرید کند

این یک دنیای مردانه است اما بدون یک دختر با زن می‌توانست هیچ نباشد. هیچ، حتی یک چیز کوچک! او در بیابان و در تلیخی (بی‌پایان) گم می‌شود

خانواده

خانواده اششمن نشست کار گروه بررسی مسائل اجتماعی عصر دوشنبه در سالن اجتماعات انجمن جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. این نشست با تأکید بر شناخت بستر اجتماعی ایران با تمرکز بر دو موضوع میزان تبعیض بین دختر و پسر در خانواده‌های شهر تهران و تفسیر تبعیض جنسیتی در متن اجتماعی با سخنرانی دکتر قاسمی و دکتر بخارایی از اساتید جامعه‌شناسی برگزار شد.

دکتر زهر قاسمی در ابتدای این نشست گزارشی از تحقیقی که دو سال پیش با موضوع تبعیض جنسیتی در خانواده‌های تهرانی انجام شده است ارائه داد. وی با بیان این که گزارشی که در این نشست ارائه می‌شود مربوط به تحقیق انجام شده در سال ۹۲ است و به نوعی توصیفی از شرایط تبعیض بین دختر و پسر در خانواده‌های ایرانی است، افزود: در این پژوهش ۵۰۰ حجم نمونه انتخاب شده‌اند و به‌گونه‌ای انجام شده است که در ابتدا من با محققان و صاحبزنان مشاوره‌هایی انجام دادم و مولفه‌ها و شاخص‌هایی که در بحث تبعیض مورد بررسی قرار دادیم را مشخص و تلاش کردیم مولفه‌ها به‌طور کیفی نتیجه‌دهد. این مولفه‌ها با نظریات جامعه‌شناسی در سطح خرد و میانه مثل نظریات بردبو و دورکیم مرتبط است. اما تأکید اصلی در این تحقیق شناخت بستر اجتماعی ایران است و می‌توان به این لحاظ این کار را به‌طور کیفی مطرح کرد. قاسمی با ابراز امیدواری در مورد این که بتوانیم در آینده به طیف‌هایی برسیم برای ایران نیاز داریم تا حدی متناسب با بستر اجتماعی ایران طیف‌هایی را به‌دست بیاوریم تا محققان بتوانند در پژوهش‌های آتی از آن بهره ببرند. این استاد دانشگاه در شرح گزارش پژوهش خود یادآور شد: در این تحقیق با مراجعه به خانوارهای تهرانی تلاش شده تا موضوع تبعیض جنسیتی فرزندان در خانواده و اثر آن بر ازدواج آنان و بروز ناسازگاری مورد بررسی قرار گیرد. در بخش اول که بررسی تبعیض جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته است، من در نظر دارم که شرایط تبعیض بین دختر و پسر در خانواده‌های تهرانی را مطرح کنم. کار کرد خانواده را مردان از زنان در کشورهای توسعه‌یافته کمتر باشد. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که چرا در کشور ما این تفاوت در نسبت‌ها وجود دارد؟ در واقع می‌بینیم که در هر دسته‌بندی صد گانه، ۷ نفر مرگ‌ومیر بیشتر در زنان داریم. من اسم این دسته‌ها را مرگ خاموش زنان می‌گذارم، ما مدلی از هنجارها و رفتارها و شیوه‌های روزانه داریم که این افراد به‌طور خاموش می‌میرند. نکته درنکات این است که وقتی دسته‌بندی سنی را به این نسبت‌اعمال می‌کنیم، بیشترین مرگ‌ومیر در ۵۶سال به بالا رخ می‌دهد. این بحث نیازمند تمرکز عمیق است چون یکی از مشکلات بستر اجتماعی ما است؛ چرا زنان ایرانی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بیشتر می‌میرند؟

آن کار کرده‌اند. پس این را در نظر بگیریم که از ۵ سالگی به بعد مرگ و میرهای وابسته به جنس در جنس پسر بیشتر می‌شود؛ هموفیلی و تالاسمی و سایر بیماری‌های وابسته به جنسیت. این بیماری‌ها به همراه پدیده‌های اجتماعی سبب شده که تعداد بی‌زنی‌های توسعه‌یافته کمتر باشد. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که چرا در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد؟ در واقع می‌بینیم که در هر دسته‌بندی صد گانه، ۷ نفر مرگ‌ومیر بیشتر در زنان داریم. من اسم این دسته‌ها را مرگ خاموش زنان می‌گذارم، ما مدلی از هنجارها و رفتارها و شیوه‌های روزانه داریم که این افراد به‌طور خاموش می‌میرند. نکته درنکات این است که وقتی دسته‌بندی سنی را به این نسبت‌اعمال می‌کنیم، بیشترین مرگ‌ومیر در ۵۶سال به بالا رخ می‌دهد. این بحث نیازمند تمرکز عمیق است چون یکی از مشکلات بستر اجتماعی ما است؛ چرا زنان ایرانی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بیشتر می‌میرند؟

از ۵سالگی به بعد مرگ و میرهای وابسته به جنس در جنس پسر بیشتر می‌شود؛ هموفیلی و تالاسمی و سایر بیماری‌های وابسته به جنسیت. این بیماری‌ها به همراه پدیده‌های اجتماعی سبب شده که تعداد مردان از زنان در کشورهای توسعه‌یافته کمتر باشد

تبعیض چیست؟ وجود تفاوت خاص در زمینه‌های خاص بین دو انسان را می‌توان خلاصه‌ترین تعریف از تبعیض عنوان کرد. دکتر قاسمی عنوان کرد: اگر بخواهیم در خانواده تبعیض را بررسی کنیم خلاصه می‌شود در حقوق اجتماعی، حقوق مالی و اقتصادی، امکانات موجود در خانه و آزادی نایربر بین دو جنس که به این منظور پرسشنامه‌ای تنظیم شد تا با جزئیات وضع خانواده‌های تهرانی را در این زمینه به دست بیاوریم. در سطح میانه و خرد متغیرهایی را در نظر گرفتیم؛ یعنی هر چه در تبعیض موثر هستند. در سطح میانه به مواردی مثل وضع مالی خانواده، پایگاه اجتماعی زن، ریشه‌های قومیتی، پدرسالاری و پذیرش تبعیض اجتماعی و تبعیض قانونی پرداختیم که هر یک از این موارد را توضیح خواهیم داد. پدیده‌هایی مثل جامعه‌پذیری والدین در کودکی شامل مهاجرت و محیط رشد آنها نیز مورد

گزارش تحقیقی در میان ۵۰۰ خانوار تهرانی در مورد تبعیض بین دختر و پسر

پسران در تهران آزادی عمل بیشتری دارند

تبعیض در خانواده‌های تهرانی نسبتا کم است



بررسی قرار گرفت. در بخش مبانی و چارچوب‌های نظری از آندیشه‌های متفاوتی بهره برده‌ایم. در تعریف لغوی تبعیض، این که افراد در برابر نقش‌های یکسان مزایای اجتماعی نابرابری دارند را مدنظر قرار دادیم. در این بحث توزیع قدرت و ثروت و تحرک اجتماعی مردان از زنان در کشورهای توسعه‌یافته کمتر باشد. آموزش دین و شغل خود را بروز می‌دهد. در تعریف عملیاتی تبعیض در چند حوزه آن را بخش کردیم؛ آزادی عمل در جامعه، سهم امکانات در خانه، تسهیلات دادن از سوی والدین، هزینه مالی کردن انجام کارهای یومیه مولفه‌هایی است که در نظر گرفتیم. در آزادی عمل در جامعه مواردی مثل رفتن به پارک و کوه و خیابان رفتن به رستوران و سفر خارج از شهر را در نظر گرفتیم.

در مورد سهم امکانات در خانه از موضوع جزئی چه کسی اول شروع به غذا خوردن کند شروع کردیم. به سه موضوعاتی مثل این که چه کسی کاناال تلویزیون را انتخاب کند یا چه کسی اتاق بزرگتر و پرنورتر را در اختیار داشته باشد رتسبیدیم. این که آیا بچه‌ها می‌توانند از خودرو استفاده کنند؛ میهمانی بدهند یا با دوستانشان بیرون بروند؛ پول توجیبی بچه‌ها چقدر فرق دارد؛ نوع مدرسه‌ها متفاوت است یا نه؛ کلاس‌های آموزشی که دختر و پسر می‌روند آیا هم تفاوت دارد یا نه؛ آیا بچه‌ها می‌توانند سرمایه اولیه برای کسب‌وکار داشته باشند و در این موضوع چه تفاوتی بین دختر و پسر هست؛ انجام کارهای یومیه خانه از کارهای نظافت گرفته تا کمک به کوچکترها و مسئولیت‌پذیری در خانه... مواردی است که در آنها میزان تبعیض در خانواده‌های تهرانی را بررسی کردیم.

همانطور که اشاره کردم پرسشنامه‌ای تنظیم شد و تلاش کردیم در ۵ حالت طیفی این مولفه‌ها سنجیده شود. به‌طوری که تمامی این مولفه‌ها را با گزینه‌های «بیشتر پسر خیلی کم دخترم، اغلب پسر و گاهی دخترم، دختر و پسر به یک اندازه، بیشتر دخترم و کمتر پسر و بیشتر دخترم خیلی کم پسر»، مورد سنجش قرار دادیم. پرسالاری هم نکته‌ای بود که به‌طور جداگانه در این تحقیق اندازه‌گیری شد. اعمال قدرت پدر و مدیریت او در خانه، دخالت در تصمیم‌گیری‌ها از سوی پدر مثل انتخاب نام فرزندان، انتخاب دوستان و... نحوه تعیین خرج درآمد زن، کار در خانه و



رفتار پدر با مادر از شاخص‌های پدرسالاری است که مورد بررسی قرار گرفت.

داده‌های تحقیق چه می‌گوید
قاسمی در مورد نتایج به‌دست آمده از این تحقیق یادآور شد: میزان تبعیض را براساس همه مولفه‌های تحقیق مورد بررسی قرار دادیم. به‌طور کلی ۲۸۰ و ۲۲۰ پدر و پسر شانه‌ها را بر کردند که الزاما از یک خانواده انتخاب نشدند. همه این خانواده‌ها هم فرزند پسر داشتند و هم فرزند دختر. میزان تبعیض به‌طور کلی متوسط به‌دست آمده است. یعنی بیشترین فراوانی در تبعیض کم‌ومتوسط است و حدود ۲۵درصد خانواده‌ها تبعیض زیاد داشتند و بقیه خانواده‌ها میزان تبعیض در آنها متوسط و زیر متوسط محاسبه شد. به‌طوری که تبعیض کم و بسیار کم ۴۱درصد بود. این رقم خیلی امیدوارکننده است. من بر توصیف در تحقیق‌ها خیلی تأکید دارم. اگر بتوانیم میانگین‌ها را با هم مقایسه کنیم می‌توانیم توصیف خوبی دست پیدا می‌کنیم. براساس نتایج حاصله فقط در ۸۱ خانواده از ۵۰۰ خانواده تهرانی تبعیض زیاد وجود داشت. کاری که

بر بررسی نتایج انجام دادیم این بود که میانگین تبعیض‌های گفته شده توسط مادران را با میانگین تبعیض‌های عنوان شده توسط پدران مقایسه کردیم که در این رابطه معنی‌داری بین آنها وجود دارد یا نه. جالب است رابطه معنی‌دار است. یعنی به‌نظر می‌رسد مادران یک مدل جواب دادند و پدران یک مدل دیگر. در این‌جا من سریع مولفه پدرسالاری رفتم که آیا پدرسالاری در مادران بیشتر گزارش شده یا در پدران؟ این را تبعیض مادران و پدران با باقی پارامترها رابطه‌ای وجود دارد یا نه؟ نکته جالب این است که میزان تبعیض را با علا‌مادران بیشتر گزارش داده بودند یعنی تبعیض زیاد و متوسط در مادران بیشتر گزارش شده بود تا پدران. پدران عموما تبعیض را کم گزارش داده بودند. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا نظرات پدران معتبر تر است یا مادران؟ ما این نتایج را با مولفه‌های پدرسالاری سنسجیدیم چون در حوزه پدرسالاری هم همین اتفاق افتاده بود. میزان پدرسالاری که مادر در ک کرده بود با تبعیضی که گزارش داده بود یک رابطه وجود داشت که همین نسبت در مورد پدران متفاوت بود.

پدرانی که پدرسالاری را نمی‌پذیرند!
به گفته این استاد دانشگاه، نتایج تحقیق صورت گرفته در مورد تبعیض بین دختر و پسر در ۵۰۰ خانوار تهرانی نشان می‌دهد پدرها میزان پدرسالاری را کمتر از مادران گزارش کرده‌اند. یعنی به‌طور هوشمندانه میزان تبعیض هم با خطا مواجه می‌شد. درحالی که میزان پدرسالاری که مادران گزارش داده بودند، با میزان و تحصیلات و سن پدر رابطه داشت. پرسشنامه مادران نشان داد که هر چه میزان پدرسالاری در خانه بیشتر است، میزان تبعیض هم بیشتر می‌شود. به بیان دیگر، به‌نظر می‌رسد که